



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۹	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۱۵
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

تحلیل و نقد مبانی شبهات آیات حدود از منظر علامه طباطبائی و وهبه الزحیلی

آقای عصام الدین گوگلان و آقای دکتر محمد فاکر میبیدی

دانش پژوه دکتری علوم قرآن و حدیث.

استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

در نظام کیفری اسلام، احکام حدود به عنوان مجازات‌های معین و مشخص، جایگاه ویژه‌ای در صیانت از مقاصد شریعت دارند. در دوران معاصر، با ظهور گفتمان‌های هرمنوتیکی و حقوق بشری، شبهاتی نظام‌مند درباره فرازمانی بودن این احکام مطرح شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، به واکاوی مبانی چهارگانه شبهات آیات حدود (تاریخ‌مندی احکام، ناسازگاری با روح زمان، ناترازی مجازات با جرم، و رضایت مجنی‌علیه) پرداخته و آن‌ها را از منظر دو اندیشمند برجسته، علامه طباطبائی (مفسر و فیلسوف شیعه) و وهبه الزحیلی (فقیه و مفسر معاصر اهل-سنت)، تحلیل و ارزیابی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه «احکام ثابت و متغیر» به عنوان چارچوب معرفتی مشترک این دو اندیشمند، پاسخ منسجمی به شبهات ارائه می‌دهد؛ به این معنا که احکام ثابت، ناظر به نیازمندی‌های فطری و تغییرناپذیر انسان است و احکام متغیر، در شعاع احکام ثابت و بر اساس مصالح زمانی و مکانی، توسط حاکم اسلامی تشخیص داده می‌شود. بر این اساس، شبهات مطرح‌شده نه تنها با مبانی معرفتی اسلامی ناسازگارند، بلکه ریشه در سطح‌نگری، عدم اطلاع دقیق از آموزه‌های دینی، و تأثیرپذیری از مبانی فلسفی غربی دارند.

واژگان کلیدی: آیات حدود، تاریخ‌مندی احکام، احکام ثابت و متغیر، علامه طباطبائی، وهبه الزحیلی.

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



An Analysis and Critique of the Foundations of Objections Regarding Verses on *Ḥudūd* (Prescribed Punishments), from the Perspectives of Allameh Tabataba'i and Wahbah al-Zuhayli

Abstract

In the Islamic penal system, *hudud* (fixed penalties) occupy a distinct position in safeguarding the objectives of the *Sharia* (Islamic law). In the contemporary era, the emergence of hermeneutical and human rights discourses has given rise to systematic challenges regarding the trans-temporal validity of these rulings. Employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study examines four primary categories of objections raised against the *hudud* verses—namely, the historicity of the rulings, their perceived incompatibility with the spirit of the modern age, the alleged disproportion between the crime and the punishment, and the issue of the victim's consent. These objections are analyzed and evaluated through the perspectives of two prominent scholars: Allameh Tabataba'i (a Shi'a exegete and philosopher) and Wahba al-Zuhayli (a contemporary Sunni jurist and exegete). The findings indicate that the theory of "fixed and variable rulings"—a conceptual framework shared by both scholars—offers a coherent response to these challenges. Specifically, "fixed" rulings address the innate and immutable needs of human beings, while "variable" rulings are determined by the Islamic authority within the scope of the fixed principles, based on the exigencies of time and place. Consequently, the objections raised are not only inconsistent with the foundational principles of Islamic epistemology but are also rooted in a superficial understanding of religious teachings and an susceptibility to Western philosophical paradigms.

Keywords: Verses concerning *ḥudūd* (fixed penal punishments), the historicity of legal rulings, fixed and variable rulings, Allameh Tabataba'i, Wahba al-Zuhayli.



متن مقاله

۱۰۸؛ زحیلی، بی تا: ج ۱، ۵۵۵۰-۵۵۵۱).

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پرداختن به این موضوع از چند جهت قابل تبیین است: نخست، خلأ پژوهشی در حوزه مقایسه تطبیقی؛ علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد درباره احکام حدود و تاریخ‌مندی آن‌ها، کمتر پژوهشی به صورت نظام‌مند به مقایسه دیدگاه‌های علامه طباطبایی و وهبه الزحیلی در تحلیل مبانی شبهات آیات حدود پرداخته است. این پژوهش می‌کوشد این خلأ را پر نماید.

ثانیاً، ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات معاصر؛ در فضای فکری امروز، شبهات مربوط به احکام حدود با استناد به مبانی فلسفی و حقوقی جدید مطرح می‌شود. عدم پاسخ‌گویی دقیق و علمی به این شبهات، می‌تواند به ترویج اندیشه ناقص درباره ناتوانی اسلام در مدیریت جامعه معاصر منجر گردد (امیدی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۹).

ثالثاً، اهمیت رویکرد تطبیقی در تقریب مذاهب؛ مقایسه دیدگاه‌های دو اندیشمند برجسته شیعه و اهل سنت می‌تواند به تقویت گفت‌وگو تقریبی و نشان دادن اشتراکات معرفتی در پاسخ به شبهات مشترک کمک نماید. رابعاً، ضرورت دفاع علمی از آموزه‌های اسلامی؛ شبهات مطرح‌شده درباره آیات حدود، نه تنها ابعاد فقهی، بلکه ابعاد کلامی، معرفت‌شناختی و حقوقی دارد. تحلیل دقیق این شبهات و نقد مبانی آن‌ها، می‌تواند به تعمیق فهم از آموزه‌های اسلامی و ارائه پاسخ‌های علمی و مستدل کمک نماید.

۳. پیشینه پژوهش

پیشینه بحث درباره تاریخ‌مندی احکام و اجرای حدود، به دوران متقدم فقه اسلامی بازمی‌گردد. در میان فقهای متقدم، محل نزاع بیشتر حول محور اختصاص یا عدم اختصاص اجرای حدود به متصدی معصوم یا شرط

در هندسه معرفتی اسلام، نظام کیفری بر دو پایه استوار است: مجازات‌های معین (حدود) که شارع مقدس سبب، مقدار، نوع و کیفیت آن‌ها را به طور دقیق مشخص نموده است، و مجازات‌های غیرمعین (تعزیرات) که به تشخیص حاکم اسلامی سپرده شده و تابع مقتضیات زمان و مکان هستند (طریحی، بی تا: ج ۳، ۱۲۹). این تقسیم‌بندی، بیانگر نگاه واقع‌بینانه شریعت به نیازهای ثابت و متغیر بشر است.

در دوران معاصر، دو پدیده «هرمنوتیک فلسفی» و «حقوق بشر مدرن» تحولات عمیقی در گفتمان فقهی پدید آورده‌اند. از یک سو، مباحث هرمنوتیکی درباره تاریخ‌مندی فهم و تأثیر پیش‌فرض‌های مفسر، به طرح ایده «تاریخ‌مندی متن دینی» انجامید. از سوی دیگر، دغدغه‌های حقوق بشری و نگرانی از وهن اسلام در مجامع بین‌المللی، زمینه‌ساز بحث درباره عدم اجرای حدود در دوران معاصر شد (United Nations, ۱۹۹۷; ۲۰۰۶; ۲۰۱۰; ۲۰۱۴). در این میان، محور نزاع از «اختصاص اجرای حدود به متصدی معصوم» به «اختصاص احکام به عصر بعثت» تغییر یافت و پرسش‌های بنیادینی را در برابر اندیشه اسلامی قرار داد: آیا احکام حدود، تاریخ‌مند و محدود به عصر نزول هستند؟ آیا با روح و شرایط زمان معاصر سازگارند؟ آیا میان مجازات بدنی و عمل مجرمانه، تناسب برقرار است؟ و آیا رضایت مجنی‌علیه می‌تواند عمل مجرمانه را توجیه نماید؟

پاسخ به این پرسش‌ها، نیازمند تحلیل عمیق مبانی معرفتی و روش‌شناختی طرفداران شبهات و نقد آن‌ها بر اساس مبانی اندیشمندان بزرگ اسلامی است. علامه طباطبایی به عنوان مفسر و فیلسوف برجسته شیعه، و وهبه الزحیلی به عنوان فقیه و مفسر معاصر اهل سنت، دو چهره شاخصی هستند که با طرح نظریه «احکام ثابت و متغیر»، چارچوبی منسجم برای پاسخ به این شبهات ارائه نموده‌اند (طباطبایی، بی تا: ج ۷،



علامه طباطبایی و وهبة الزحیلی، نشان‌دهنده تفاوت‌ها و اشتراکات رویکرد آن‌ها در مواجهه با مسائل مستحدثه است (قدردان قراملکی، ۱۳۹۰: ۵۵۶-۵۵۷).

۴. مبانی شبهات آیات حدود

هر شبهه‌ای بر مجموعه‌ای از مبانی نظری استوار است و شناخت این مبانی، پیش‌شرط ارزیابی دقیق آن است. شبهات مطرح‌شده درباره آیات حدود در دوران معاصر نیز بر مبانی مشخصی تکیه دارند که عمده‌تاً از گفتمان‌های هرمنوتیکی، حقوق بشری و برساخت‌گرایی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. این مبانی را می‌توان در چهار محور دسته‌بندی نمود: تاریخ‌مندی احکام، عدم سازگاری با روح زمان، ناترازی مجازات با جرم، و رضایت مجنی‌علیه. در ادامه، هر یک از این مبانی تبیین می‌گردد.

۴.۱. تاریخ‌مندی احکام

طرفداران رویکرد تاریخ‌مندی احکام، نگاشته‌های زیادی در این زمینه به نشر رسانده‌اند؛ از جمله مقالات «سنت نبوی و عدالت کیفری» می‌باشد. این مقاله، بر بازشناسی شاخصه‌ای نظام کیفری توسط پیامبر اکرم (ص)، به سازگاری عدالت کیفری با ضرورت‌ها و انتظارات عمومی، اشاره و تأکید نموده است (امیدی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۹).

نوشته‌های دیگری، از جمله آثار دکتر نوهابر در حوزه کیفرهای بدنی، با تأکید بر تاریخ‌مندی، گره‌خورده و وی، در نوشته‌های با عنوان «مکان-یابی مقررات کیفری در فقه و پیامدهای روش شناختی آن»، کیفرهای جسم‌محور را تاریخی قلمداد نموده و در روش شناختی آن، خواندن آن را تردید نموده و می‌نویسد: «این مجازات‌ها، به لحاظ نوعی در جای جای جهان، حتی آنجا که در معرض تعالیم ادیان الهی نبوده‌اند، نیز، رایج بوده‌اند» (نوهابر، ۱۳۹۸: ۱۷۹-۱۸۰).

افزون بر آنچه گفته شد، در آثار دیگرش، مانند: «امکان‌سنجی فقهی گذار

عصمت برای اجرا بوده است. این بحث، ریشه در شرایط سیاسی و کلامی جوامع اسلامی در دوران غیبت امام معصوم (ع) داشت (خویی، بی‌تا: ج ۴۱، ۲۷۳).

در دوران معاصر، با ورود مفاهیم جدیدی، چون هرمنوتیک و حقوق بشر به گفتمان فقهی، بحث درباره تاریخ‌مندی احکام شکل تازه‌ای به خود گرفت. از یک سو، برخی روشنفکران دینی با تأثیرپذیری از مبانی هرمنوتیکی، قرآن را متأثر از فرهنگ عصر نزول دانسته و احکام آن را محدود به همان عصر قلمداد کردند (گادامر، ۱۳۸۷: ۲۳). از سوی دیگر، دغدغه‌های حقوق بشری و نگرانی از وهن اسلام در مجامع بین‌المللی، زمینه‌ساز طرح بحث عدم اجرای حدود در دوران معاصر شد (United Nations, ۱۹۹۷; ۲۰۰۶; ۲۰۱۰; ۲۰۱۴).

در این میان، دو رویکرد عمده شکل گرفت: رویکردی که با استناد به اطلاق و عموم آیات، بر فرازمانی بودن احکام حدود تأکید داشت، و رویکردی که با استناد به مبانی هرمنوتیکی و حقوق بشری، در صدد اثبات تاریخ‌مندی این احکام برآمد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با تأکید بر فلسفه «جری و تطبیق»، بر جهانی و ابدی بودن احکام عملی قرآن تصریح نموده است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۷، ۱۰۸). وهبة الزحیلی نیز در آثار فقهی و تفسیری خود، با تفکیک میان احکام ثابت و متغیر، چارچوبی برای پاسخ به شبهات تاریخ‌مندی ارائه داده است (زحیلی، بی‌تا: ج ۱، ۵۵۵-۵۵۵۱).

پژوهش‌های اخیر نیز به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. مطالعه‌ای با روش تحلیلی-انتقادی، به اثبات فرازمانی بودن حدود الهی با تمسک به آموزه‌های قرآنی پرداخته و نشان داده است که ادله مخالفان فرازمانی بودن حدود، با سنجه قرآن کریم قابل اعتنا نیست (نوهابر، ۱۳۹۸: ۱۷۹-۱۸۰). هم‌چنین، پژوهش‌های تطبیقی درباره روش‌شناسی تفسیری



راستای دوام و پایداری قدرت و حاکمیت خویش استفاده می نمودند؛ زیرا بی همتایی کیفر و مهیا بودن آن با وجدان جمعی، بیشترین کارکرد را برای صاحبان قدرت داشت. به همین دلیل، حاکمان همواره با مددگیری از اراده و وجدان جمعی در راستای دستیابی به اهداف خود، اقدام به تأسیس واکنش های کیفری نموده و شارع با توجه به کارکرد آنها، این مجازات را پس از جرح و تعدیل تنفیذ و عملیاتی می نمودند.

بدین ترتیب، نواندیشان دینی، حکم فقهی «عده طلاق»، «فسخ عقد»، «حجاب» و احکام «حدود» را تاریخ-مند می دانند و در اثبات این رویکرد، به آیات قرآن استناد می نمایند. آنان، خوانش متفاوت از «سنت نبوی» با «سنت رسولی» ارائه داده و طبق قرائت وی، سنت رسولی، به ارزشهایی انسان، شعائر، نظریه حدود و ... قانون گذاری می پردازد، جهانی و شمول گرا است، اما سنت نبوی، شامل قصص و اجتهادات آن حضرت می گردد و محدود به زمان وی و تنها شامل معاصران و مشافهان می گردد. این سنت ها، همیشگی نیستند، بلکه مفاد آنها همواره در حال تغییر و دگرگونی می باشد. آنان، اعتقاد دارند: «سنت هایی که در مقطع تاریخی معینی پایه گذاری شده اند، دچار تغییر می شوند؛ یعنی به مرور زمان گرفتار زوال و تغییرند، مانند غذا که با مرور زمان دیگر قابل استفاده نیست. این فرایند، نسبت به سنت های گذشته که دیگر قابل استفاده نیست، نیز، ساری و جاری می باشد و اطاعات از آنها محدود به افراد جامعه و معاصران وی می باشد، بدون آنکه این اطاعت برای نسل های دیگر ضروری باشد» (شحرور، بی تا: ۲۳).

۳. ۴. عدم سازگاری با روح و شرایط زمان معاصر
سومین مبانی طرفداران شبهه آیات حدود، عدم سازگاری احکام حدود با روح شرایط زمان معاصر است. آنان اعتقاد دارند: اصل خاتمیت و کمال دین به معنای این است که بعد از پیامبر اسلام (ص)، پیامبر و نبی دیگری

از مجازات های بدنی» و «اهداف مجازات ها در جرائم جنسی: چشم انداز های اسلامی»، از گفتمان تاریخ-مندی، جانبداری نموده است (نوهاپر، ۱۳۹۸: ۶۹-۷۴).

۲. ۴. عدم توجه به بافت تاریخی آیات

رویکرد باور به پایداری کیفرهای بدنی، تأکید دارند: مجازات های جسم محور، قبل از شکل گیری اسلام به خاطر اوضاع و احوال اجتماعی- فرهنگی حاکم، دارای هویت بوده و شریعت اسلام آنها را در قالب و چارچوب اخلاق تنبیهی شناخته شده ای امضاء نموده است (رضایی، ۱۳۹۸: ۲۲)؛ زیرا زمان و مکانی زیست آدمی، نقش بنیادین در شکل دهی هویت او دارد (خادمی کوشا، ۱۳۹۶: ۲۱). از این-رو، نمی توان بدون تأمل از آن گذشت؛ زیرا آدمی با فرهنگ آمیخته و درهم تنیده بوده، وابسته به بدنی از گذشته ای دور در نظام های اجتماعی وجود داشته و شریعت اسلام تنها در چارچوب اخلاق تنبیهی زمانه، آنها را پذیرفته و قاعده مند نموده است.

بنابراین، در یک تحلیل جامع می توان گفت: گفتمان تاریخ-مندی مجازات بدنی، نشان می دهد که در پرتو دیدگاه برساخت-گرایی اجتماعی، ماهیت همه ی مجازات جسم محور در بستر تاریخ شکل گرفته و ارمغان هیچ شریعتی نیست؛ یعنی مجازات بدنی تاریخ-مندی، که حاصل فرهنگ، اجتماع و سیاست می باشد. به همین دلیل، هیچ گونه حسن ذاتی ندارد و کارکردشان در جامعه به آنها مشروعیت داده است؛ به این معنا، که مجازات بدنی، پیوسته جزء تفکیک ناپذیر از زندگی انسان بوده و در امتداد تاریخ شکل گرفته و تصور منشأ شرعی برای آن خلاف حقیقت است؛ هرچند ادیان به فراخور زمان و مکان نزول، گونه های مختلف آن را امضاء و تأیید نموده اند.

افزون بر آنچه گفته شد، نمی توان از قدرت حاکم بر جامعه در عصر بعثت چشم پوشی کرد؛ زیرا حاکمان در همه عصرها، مانند امروز، از مجازات در



(۱۰۸).

بنابراین، حاصل آنچه گفته شد، این است که مجازات و کیفرهای معین در متون دینی، مانند قرآن و روایات، موضوعیت ندارند و تنها راه مبارزه با پدیده‌های مجرمانه می‌باشد، که بر اساس زمان و مکان از گونه و نوعی به گونه و نوعی دیگر، قابل تبدیل، تغییر و تحول‌اند. بدین ترتیب، آنچه پراهمیت است، این است که یکی از راه‌های مبارزه با جرم، برخورد خشن کیفری می‌باشد؛ اما چگونگی برخورد با نوع واکنش در برابر جرم در هر زمان و مکان و با توجه به شرایط قابل تغییر می‌باشد.

۴.۴. ناترازی مجازات بدنی و عمل مجرمانه

چهارمین مبانی طرفداران شبهات آیات حدود، ناترازی مجازات بدنی با عمل مجرمانه است. در منظومه معرفتی نواندیشان دینی، مجازات جسم‌محور، مانند حکم رجم، غیرمقبول تلقی گردیده، حقیقت و کیفیت رجم به چالش کشیده شده و در مسیر تئوریزه کردن خشونت و ناترازی عمل مجرمانه و جرم قلمداد گردیده است. از اینرو، آنان، منکر مجازات رجم به روش معمول و رایج آن، که در دیدگاه مشهور فقیهان می‌باشد، گردیده و گفته‌اند: کشتن و اعدام زانی محسن و محصنه با رجم بر خلاف نصوص قرآن می‌باشد؛ زیرا قتل، محدود به مواردی است، که قتل عمد انجام گرفته باشد و یا کسی در جنگ با خداوند و پیامبر اقدام نموده و یا باعث فساد فی‌الارض گردیده باشد، در غیر موارد فوق، اعدام محل از اعراب ندارد و افزون بر آن، واژه «رجم» به معنای ریک‌افکندن می‌باشد، نه «سنگسار» نمودن؛ یعنی باید به ریک‌افکندن بر زانی محسن و محصنه بسنده کرد و اضافه بر آن، صحیح نیست، تا چه رسد به اعدام و کشتن او، و نیز، در روایات آمده: ریک‌ها نباید به جاهای خطرناک و کشنده اصابت نماید و ریک‌ها هم باید از نظر حجم، متوسط باشند و اگر مجرم هنگام ریک زدن فرار نمود، نباید او را برگرداند. در نتیجه، رجم، به معنای اعدام

مبعوث نمی‌گردد و پس از وی، عقل آدمیان و تجربه‌ای جمعی آنان، واسطه ارتباط انسان‌ها با خداوند می‌باشد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۰: ۵۵۶-۵۵۷). بدین ترتیب، انسان پس از خاتمیت، با مددگیری از عقل و رجوع همیشگی به تشریعات گذشته از طریق «اجتهاد الگومحور» می‌تواند به فهم جدید از تشریعات خداوند دست یابد، نه از طریق «اجتهاد قانون‌محور». در نتیجه، ختم نبوت، به معنای ختم شریعت و ثابت بودن شریعت اسلام نیست، بلکه به معنای عدم نزول شریعت جدید می‌باشد، نه اینکه شریعت اسلام همیشه ماندگار و ثابت است و هیچ‌گونه تغییر و تحول در آن راه ندارد؛ زیرا لازمه‌ی مقبولیت اندیشه‌ای ثبات احکام، بسته بودن دست خداوند در تشریع و سکوت دائمی او، به حساب می‌آید (فناپی، ۱۳۹۰: ۴۲۶-۴۲۷). از اینرو، این رویکرد، اعتقاد دارد که امروزه، احکام کیفری اسلام کارآمد نخواهد بود و حال آنکه حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ اموال و حفظ آبرو از مقاصد ضروری شریعت شمرده شده است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۷: ۵۷).

در پاسخ به سؤال، عده‌ای که گفته‌اند: در این نوع از مسائل، اصل عدم است؛ زیرا اگر اصلی وجود داشته باشد؛ یا «اصلت الاطلاق» است و یا «اصلت الاشتراک»، که هیچ‌یک، جهت نفی احتمال اختصاص عنصر دینی، به مکان و زمان خاص، قابل استناد نمی‌باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۷). با مددگیری از «اطلاق مقامی» می‌توان اختصاص عنصر دین، به موقعیت خاص را اثبات کرد. برخی دیگر، اعتقاد دارند که اصل اولی، تغییر می‌باشد؛ یعنی اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر(ص)، تنها در زمان پیامبر(ص) واجب بوده است، اما در زمان‌های بعد از وی، بستگی به نوع صدور دارد، که از شأن نبوت صادر گردیده و یا از شأن حکومت، در صورت تردید، به قدر متیقن؛ یعنی شأن حکومت بسنده می‌شود و نسبت به امر زاید بر آن، اصل برائت جاری می‌گردد (علی اکبریان، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۸).



مسأله‌ی عدم توجیه عمل مجرمانه با رضایت مجنی‌علیه، در برخی موارد بر خلاف آن قاعده کلی، استثنائات دارد که رضایت مجنی‌علیه، عمل مجرمانه را توجیه می‌نماید. به همین دلیل، تعریف زنا در شریعت اسلامی با تعریف آن در قوانین عرفی متفاوت است؛ زیرا شریعت اسلامی، هر مقاربت حرام را زنا و آن را قابل مجازات می‌داند؛ فرق نمی‌کند که مرتکب زنا متأهل باشد و یا مجرد، ولی در قانون‌های عرفی هر مقاربت غیرقانونی زنا محسوب نمی‌گردد و در اکثر این قوانین، مانند قانون مصر و فرانسه در شرایط خاص مقاربت؛ یعنی همسر داشتن یکی از طرفین و یا هر دو، زنا تعریف می‌گردد و غیر این موارد را هتک ناموس یا جماع می‌گویند.

در قانون مصر، جماع، تنها در حالت علف، مجازات‌پذیر می‌باشد، اگر جماع با رضایت طرفین باشد، در صورتیکه «رضا» معیوب نباشد؛ مجازات ندارد. رضایت معیوب؛ یعنی زن به هجده‌سالگی نرسیده باشد، هرچند خودش درخواست جماع نماید، و اگر هجده سال را تمام کرده باشد، رضایت وی، معتبر تلقی می‌شود؛ در صورتی که رضای مفعول معیوب باشد، عمل ارتكابی «جنحه» تلقی می‌گردد و مجازات ساده‌ای را در پی دارد (عوده، بی‌تا: ج ۴، ۱۸).

طرفداران این نظریه، در توجیه وضع چنین قانون در مصر، گفته‌اند: عمل ارتكابی در صورتی مباح است، که با رضایت و میل باطنی مفعول همراه باشد و چنانچه مفعول راضی نبوده یا رضایت او معیوب باشد، گنهکار به شمار نمی‌آید تا مجازات گردد و تنها فاعل مجازات می‌گردد (عوده، بی‌تا: ج ۴، ۱۸).

بنابراین، در هندسه معرفتی طرفداران این رویکرد، زنا، از امور شخصی قلمداد گردیده و معتقدند که با مصالح جامعه برخورد ندارد. از اینرو، عمل با رضایت، مجازات آن بی‌معنا خواهد بود، مگر آنکه یکی از طرفین، همسر داشته باشد، که در این حالت و برای نقض حرمت ازدواج، مجازات مرتکب

زانی محصن و محصنه، توسط سنگسار نمودن آن، نیست (صادقی تهرانی، ۱۳۸۷: ۵۷).

افزون بر نواندیشان دینی، ابراهیم معتزلی و شاگردانش و نیز، برخی دیگر از فقهای اهل-سنت، مجازات رجم را انکار و یا حداقل در آن تردید نموده و معتقدند که تخصیص قرآن با روایت جایز نمی‌باشد و روایات نقل شده در متون روایی، مخالف آیه دوم از سوره نور می‌باشد (فخرآزی، بی‌تا: ج ۳، ۷۷). از اینرو، آنان، منکر مجازات جسم-محوراند. چنانچه در کتاب «لام» به این مخالفت‌ها اشاره گردیده و آمده است: «نص بعض الناس علی أن لارجم علی زان لقول الله تعالی (الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً)، برخی مناقشه نمودند که زانی، سنگسار نمی‌گردد؛ زیرا در قرآن آمده است: به هر زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید» (شافعی، بی‌تا: ج ۷، ۲۹۴).

۴. ۵. رضایت مجنی‌علیه

یکی دیگر از مبانی طرفداران شبهات آیات حدود، رضایت مجنی‌علیه است. آنان تأکید دارند که یکی از مسائل که همواره راجع به زوال عنصر قانونی کانون توجه بوده، مسأله تأثیر رضایت مجنی‌علیه در ارتكاب جرم می‌باشد؛ یعنی هر گاه شخصی رضایت داشته باشد، که دیگری او را بکشد و یا به او ضرر رساند، آیا رضایت مجنی‌علیه، دلیل عدم مسئولیت کیفری و مجازات او می‌گردد یا خیر؟

این مسأله، از دیرباز مطرح بوده و از نظر تاریخی در حقوق روم در راستای حمایت از منافع افراد، در مورد برخی از جرائم علیه اشخاص مقبولیت نداشت، اما امروزه، در این زمینه یک اصل کلی است و آن اینکه رضایت مجنی‌علیه، دلیل توجیه عمل مجرمانه نمی‌باشد؛ زیرا مجازات در شرایط عام جهت دفاع از منافع شخصی شکل نگرفته، مجازات و کیفر، بیشتر در راستای استقرار انتظام عمومی، دوام و پایداری جامعه به وجود آمده است.



جایز است.

۵. نقد مبانی شبهات آیات حدود

پس از تبیین مبانی شبهات، نوبت به ارزیابی و نقد آن‌ها می‌رسد. نقد در پژوهش علمی، ردّ پیشینی نیست، بلکه تحلیل مبانی، بررسی ادله و سنجش سازگاری درونی و بیرونی نظریه است. در این بخش، مبانی چهارگانه شبهات از منظر علامه طباطبایی و وهبه الزحیلی نقد می‌شود. روش نقد ترکیبی است از نقد درون‌دینی با استناد به آیات و روایات، و نقد برون‌دینی با تحلیل عقلی و بررسی پیامدهای عملی. در این میان، نظریه «احکام ثابت و متغیر» به عنوان چارچوب معرفتی مشترک این دو اندیشمند، هسته اصلی پاسخ‌گویی به شبهات را تشکیل می‌دهد.

۱.۵. نقد مبانی تاریخ-مندی احکام

مبنای تاریخ-مندی احکام، که ریشه در تاریخ‌مندی فهم و متن دینی دارد، یکی از بنیادی‌ترین مبانی شبهات آیات حدود به شمار می‌رود. این مبنا بر این پیش‌فرض استوار است که احکام شرعی، محصول شرایط تاریخی عصر نزول بوده و محدود به همان شرایط می‌باشند. در نقد این مبنا، سه محور اصلی بررسی می‌شود: نخست، انکار و تردید در منشأ ماورایی دین که زیربنای معرفتی تاریخ-مندی را تشکیل می‌دهد؛ دوم، عدم سازگاری احکام با روح و شرایط زمان معاصر که بر ناکارآمدی احکام ثابت در مدیریت جامعه مدرن تأکید دارد؛ و سوم، ناترازی مجازات بدنی با عمل مجرمانه که بر عدم تناسب میان جرم و مجازات و ترویج خشونت استوار است. در ادامه، هر یک از این محورها از منظر علامه طباطبایی و وهبه الزحیلی به بوته نقد گذاشته می‌شود.

طرفداران نظریه تاریخ-مندی احکام، وحی را از جنس تجربه‌های بشری و شکل گرفته‌ی فرهنگ و محیط حجاز می‌دانند و اعتقاد دارند، که خطاب قرآن فقط شامل انسان‌ها در زمان و مکان‌های مشخص، مانند حجاز و

مناطق پیرامون آن است. از اینرو، بایست در چارچوب سازه‌های فرهنگی و اجتماعی عرب آن زمان، تحلیل و فهم گردد؛ زیرا فراگیر و جاودانه بودن آیات قرآن، محل تردید است.

در پاسخ و نقد این مبنا می‌توان گفت: این ادعا بی‌دلیل و بدون پشتوانه است؛ زیرا آموزه‌ها و گزاره‌های دینی از جانب خداوند متعال نازل شده و وابستگی‌های زمانی و مکانی پیامبر اکرم (ص) هیچ‌گونه تأثیر در وحی الهی ندارد. خداوند متعالی می‌فرماید: «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۶). با توجه به آیات قرآن، قرآن کریم سازگار با فرهنگ محاوره‌ای نزول، نازل گردیده و این قاعده عقلی است، که عدم رعایت آن، باعث نکوهش می‌گردد، اما این، نه تنها، به معنای تبعیت و پیروی قرآن از بازداشتن مردم و منع آنان از ارتکاب گناه و محظورات و ترک اوامر الهی برای همیشه زمان‌ها و مکان‌ها در راستای رفع فساد در روی زمین است (زحیلی، بی‌تا: ج ۱، ۵۵۵-۵۵۶).

از اینرو، خداوند متعال جامعه و مردم را مورد خطاب قرار داده و به آنان دستور داده است تا اوامر و نواهی خداوند را اطاعت نمایند و این حکم خداوند تشریع و قانونی برای همیشه بندگان در همه عصرها می‌باشد، کسی که از آن قانون و تشریع تجاوز نماید و آن را نادیده انگارند، در حقیقت به خودشان ظلم کردند و ضرر متوجه خود مرتکبان است. احکام شرعی، در قرآن کریم ذکر شده تا مردم با عمل نمودن به آن، گناهان-شان بخشیده، عیب‌های-شان پوشیده و با ثواب مضاعف وارد بهشت شوند (زحیلی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۷).

بدین ترتیب، فهم درست از وحی، نیازمند ابزار بشری و شرایط مادی نیست، تا پیامبران به مدد آن به فهم از وحی دست یابند. اهداف وحی، رفع مشکلات و چالش‌های انسان بر اساس اقتضائات زمان و در راستای



اندیشمندان اسلامی در نقد رویکرد عدم سازگاری مجازات کیفری با شرایط زمان و مکان، اعتقاد دارند: اسلام، از ظرفیت و توانمندی بالای جهت مدیریت بشر در حوزه حقوق مجازات، برخوردار است و می‌تواند احکام سازگار با اقتضائات زمان و مکان در راستای رفع نیازمندی انسان‌ها ارائه نماید. چنانچه شهید مطهری می‌گوید: «یکی از اعجاب‌آمیزترین موضوعات در تاریخ علوم اسلامی، قدرت و توان پایان‌ناپذیر منابع اسلامی، مانند قرآن کریم در راستای کشف و استنباط است، این مسأله، محدود به مسائل فقهی و حقوقی نیست، بلکه در همه حوزه‌ها چنین است» (مطهری، ۱۹۸۳: ۲۰۰).

در نقد این رویکرد، می‌توان گفت: آدمیان، دو گونه نیازمندی دارند؛ نیازمندی اولی و نیازمندی ثانوی. خاستگاه نیازمندی اولی، ساختمان وجودی آدمیان و زیست اجتماعی او است؛ یعنی تا زمانی-که انسان، انسان باشد و دارای حیات اجتماعی، این نیازمندی، مانند خوراک، پوشاک، گرایش به زیبایی، عبادت، عدالت، احترام و آزادی در او موج می‌زند و این نیازمندی-ها، ثابت و تغییرناپذیر می‌باشد؛ اما نیازمندی ثانوی، که ریشه در نیازمندی اولی دارد، مانند نیاز به ابزار و لوازمات زندگی، به تبع عصر و زمان متفاوت و تغییرپذیر است؛ هرچند عده‌ای آن زمان و مدت را معین نکنند؛ در چنین مواردی می‌توان به اطلاق مقامی استناد نموده و قانون را همیشگی فرض نمود. چنانچه خداوند متعال در باره مجازات زنا می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِمِائَةٍ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲).

خداوند متعال در این آیه، میزان مجازات زنا را به صورت روشن بیان نموده و آن را مقید به زمان و مکانی خاص نکرده است و نیز، در کلام خداوند قرینه‌ای جهت اختصاص حکم به زمان خاص وجود ندارد.

مصلحت بشر است، ولی این مسائل، محدود به انسان‌های عصر نزول نمی‌باشد. بنابراین، دین اسلام در راستای رفع نیازمندی‌های ثابت و متغیر بشر، احکام ثابت و متغیر، تشریع و تنظیم نموده است؛ زیرا در اسلام همه‌ی افراد جامعه بر اساس فطرت مشترک، در هر حکمی مساوی و برابرند (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۷۷).

افزون بر آنچه گفته شد، بنیان تفکر تاریخ-مندی، با دو چالش ویرانگر مواجه است؛ زیرا اگر قرآن و به تبع آن سنت، تاریخ-مندی و متأثر از فرهنگ عرب جاهلیت باشد، نتیجه این می‌گردد که بسیاری از آموزه‌های آن مختص جامعه عرب آن زمان می‌باشد. پس، چگونه پیامبر اکرم(ص) دیگران را، غیر از اعراب به دین اسلام متمایل ساخت و علاقه‌مند نمود؛ در صورتی-که طبق گزارش تاریخ، تنها اعراب مسلمان نشدند، بلکه اقوام و ملت‌های دیگر، علی‌رغم که دارای فرهنگ متفاوت بودند، اسلام را پذیرفتند، به گونه‌ای که اسلام در مدتی بسیار کوتاه بر کل خاورمیانه و دیگر ممالک سیطره یافته و آنها را فتح نماید. در نتیجه، آنچه سبب مقبولیت اسلام در میان جوامع و ملت‌های مختلف گردید، مطابقت و سازگاری آموزه‌ها و گزاره‌های دین اسلام با طبیعت مشترک بشر؛ یعنی فطرت آنان بود (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

علامه طباطبایی می‌نویسد: «قرآن به منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند و آنچه باید به دان متخلق گردند و آنچه باید عمل کنند، هدایت کند؛ چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص و یک حال مخصوص نیست. آنچه را قرآن فضیلت خوانده، در همه ادوار بشریت فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند شمرده، همیشه ناپسند و زشت است...» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۷، ۱۰۸).

۲.۵. نقد مبنای عدم سازگاری با روح و شرایط زمان معاصر



مقدم داشته و معتقد است که جانی به خاطر به خطر انداختن مصلحت و امنیت جامعه، باید مجازات گردد.

اندیشمندان اسلامی، نه تنها مجازات زنا را خشونت و نابرابری نمی‌دانند، بلکه آن را عین رحمت و عدالت و در راستای حفظ مقاصد شریعت تعریف می‌نمایند. چنانچه آقای زحیلی می‌نویسد: مجازات زنا، محصن و محصنه، نه تنها خشونت و نابرابری نیست، بلکه رحمت و عین رعایت مصلحت جامعه است؛ زیرا اگر مردم جنایت جانی را مشاهده نماید و با آن با رحمت رفتار نماید، آنان ظلم و جنایت‌های بزرگ که مرتکب شدند را فراموش می‌نمایند. در این صورت، دیگر دین مردم، نفس مردم، عقل مردم، اموال مردم و آبروی مردم در امان نخواهد بود و حال آنکه حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ اموال و حفظ آبرو از مقاصد ضروری شریعت شمرده شده است (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

ایشان، معتقد است: کسانی که اجرای حدود الهی را ناسازگار با عدالت و ترویج خشونت قلمداد می‌نمایند؛ نه تنها چنین نیست، بلکه عین عدالت است؛ زیرا این مسأله، زمانی به درستی قابل درک است که جامعه در چنبره سرقت، ناامنی، کثرت جرائم و به خطر افتادن مصالح جامعه روبرو گردد. چنانچه برخی اندیشمندان غیرمسلمین نیز، می‌گویند: «الحق والعدل فی شریعة الاسلام حینما قررت قطع ید السارق، بل الواجب اعدامه شنقاً لیتخلص المجتمع من شروره و شرور امثاله» (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

هم-چنین، نگاه طرفداران به اصطلاح حقوق بشر غربی، به جانبداری از مجرمان تحت عنوان حقوق بشر و مباح دانستن زنا، نگاه ناقص و غیرواقعی بینانه است؛ زیرا با عفو و بخشش آن، نه تنها از جرائم کاسته نمی‌شود، بلکه بر تعداد جرائم افزوده گردیده و آنان، مرتکب جرائم بزرگتر می‌گردند، که امروز جوامع غربی حاصل و نتایج اباحه‌ای زنا را می‌چشند

هم-چنین، مرحوم آیت الله خویی در بحث جواز اقامه حدود توسط حاکم می‌فرماید: «أن أدلة الحدود کتاباً و سنةً مطلقاً و غیر مقیده بزمان دو زمان. کقوله تعالی: (الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِمِائَةِ جَلْدَةٍ)» (خویی، بی‌تا: ج ۴۱، ۲۷۳). خداوند متعال در این آیه، برای تشریع احکام، زمان و مکان خاصی قرار نداده و طبق اطلاق مقامی، دائمی بودن احکام و مجازات جسم‌محور، اثبات می‌گردد. بدین ترتیب، مجازات و کیفرهای اسلامی، به مقید و محدود به زمان و مکان نبوده، بلکه در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل انطباق و تطبیق می‌باشد و نیز، بسیاری از فقها و مفسران با فرق گذاشتن میان حکم اولی و ثانوی، تلاش نموده‌اند تمام احکام نواخته‌ای را که در فقه شکل گرفته و با اقتضائات قواعد اولیه احکام ناسازگار و از امور ثابت شرع، فاصله دارد، به احکام ثانوی و ناشی از ضرورت مفهوم عام آن بازگردانده می‌شود؛ چنانچه زحیلی این روند را مقبول می‌داند و با ارائه تفسیر عام از ضرورت، به گونه‌ای هر نوع اضطرار، الجاء و نیازمندی را شامل می‌گردد، بخشی زیادی از احکام جدید و انعطاف یافته را در همین قالب می‌گنجاند و با این روش، حکم ثابت و متغیر را سازگار و هماهنگ می‌سازد (زحیلی، بی‌تا: نظریة الضرورة الشرعية، ۱۴-۲۵).

بنابراین، احکام اسلامی با توجه به نیازمندی‌های ثابت و متغیر و سازگار با فطرت انسان جعل و وضع گردیده است. به تعبیر بزرگان که روح و کلیات احکام شرعی در متون دینی آمده است، اما تفسیر و تعبیر آن نیازمند عقل بشر معاصر می‌باشد که با توجه به شرایط زمانی و مکانی و هماهنگ با نص و در شعاع امور ثابت تفسیر و تعبیر گردد.

۳.۵. نقد مبنای ناترازی مجازات و جرم

در متون دینی، فلسفه تشریع حدود، بازداشتن مردم و منع نمودن آنان از ارتکاب جرائم و حفظ جامعه از فساد و تطهیر آن از گناهان قلمداد شده است. به همین دلیل، شریعت اسلامی مصلحت جامعه را بر مجازات مجرم



النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)، تغییر ناپذیر می‌باشد و قوانین غیر ثابت، که با نگاه موقتی و غیر دائمی تشریع گردیده و به حسب مصلحت‌ها اجتماعی، زمانی و مکانی، در شعاع احکام ثابت تشخیص داده شده، تغییر می‌یابد و طبق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)، از اختیار والی محسوب می‌گردد. اما آنچه که ثابت است و مجازات آن در متون دینی معین و مشخص گردیده، هیچ‌کس حق تغییر آن را ندارند.

بدین ترتیب، با توجه به آنچه گفته شد، خداوند متعال نسبت به بندگان از همه مهربان‌تر است و می‌داند که چه چیزی سبب مصلحت آنان و چه مسائل باعث شر، فساد و ضرر در بندگان می‌شود و خداوند عالم است به اینکه در بسیاری موارد زندان سبب بازداشتن مجرمین از جرائم نمی‌گردد، بلکه مجازات آنان اعدام باید باشد؛ زیرا آنان ارزش‌ها، اخلاق، دین و ... را زیر پا گذاشته‌اند و تنها راه نجات جامعه از جنایت آنان، اعدام آنان است. از اینرو، خداوند متعال دو هدف بنیادین برای اجرای حدود شرعی بیان نموده است: یکی تحقق مصلحت و حفظ امنیت عمومی است و دیگری، ایجاد عدالت اجتماعی می‌باشد.

۴.۵. نقد مبنای رضایت مجنی علیه

در نقد و تحلیل این رویکرد، می‌توان گفت: علی‌رغم زیبا و به ظاهر حقوق‌مدارانه بودن این رویکرد، این نظریه، با چالش‌ها و مشکلاتی فراوان مواجه است: زیرا تطبیق و استفاده از این نظریه در کشورهای که آن را عملیاتی نموده‌اند، پیامدهای منفی و آثار مخرب زیاد دارد، که به مهم‌ترین آنها به صورت اجمال اشاره می‌گردد:

الف) تحلیل رفتن و از هم پاشیدگی جامعه

جامعه‌ای اروپایی، به دلیل رواج روابط آزاد جنسی، همبستگی خود و خانواده را از دست داده و به یک جامعه از هم گسیخته تبدیل شده است،

و در باطلاق از چالش‌ها گیر افتاده‌اند، که مصداق روشن آن، توسعه و گسترش ایدز در جامعه غیردینی می‌باشد.

زحیلی در تفسیر آیه «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»، می‌نویسد: زنا با همه انواعش، از بزرگترین جرائم محسوب می‌گردد، که مباح دانستن آن، جامعه را از رشد، بالندگی، اخلاق، اهداف و حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی محروم می‌سازد. وی می‌گوید: به دلیل پیامدهای منفی عمل زشت زنا است، که در آیات و روایات، اجرای آن واجب قلمداد گردیده است (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

هم‌چنین، علامه طباطبایی معتقد است: تشریعات اسلامی به دو قسم؛ ثابت و متغیر می‌باشد. قوانین ثابت، براساس خلقت انسان و شاخصه‌های او، جعل و تشریع گردیده، مانند آیات حدود مثل آیه دو سوره نور خداوند متعال می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» و احکام متغیر، موقتی و با اختلاف سبک زندگی، تفاوت پیدا می‌نماید و به تبع پیشرفت تدریجی مدنیت و تمدن انعطاف‌پذیر است و طبق مصالح، زمان و مکان‌ها تغییر می‌کند و به عنوان آثار ولایت عامه، مشروط به نظر پیامبر اسلام(ص)، جانشینان و منصوبین او می‌باشد (طباطبایی، بی‌تا: ج ۷، ۱۰۸). در شعاع احکام ثابت دین و بر اساس نیازها و مصلحت، آن را تشخیص داده و اجرا می‌گردد، بدون اینکه قوانین و تشریعات ثابت اسلام، دستخوش تغییر، تحول و دگرگونی گردد. بنابراین، حاصل دیدگاه علامه طباطبایی و وهبه الزحیلی این است که مقررات اسلام با گونه‌ای متمایز از هم، به نام ثابت و متغیر تشریع گردیده است. قوانین ثابت، ناظر به نیازمندی‌های فطری و سازگار با خلقت و آفرینش انسان است، که طبق آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنْ أَكْثَرَ



ایشان، تأکید می‌کند که طبق آیهی قرآن کریم، اصل مشروعیت حد زنا، در باره بکر است، اما مجازات زناى محسن و محصنه طبق روایات، رجم است؛ چنانچه در متون روایی رجم ماعز، به صورت متواتر نقل شده است (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

هم‌چنین، در پرتو این نظریه، اصالت خانوادگی، امنیت زن و وظیفه‌ی اصلی او، که مدیریت خانه و تربیت فرزندان است، کمرنگ گردیده و در اکثر موارد جوانان از ازدواج گریزان و فراری می‌باشد و دوست ندارد که خود را اسیر کسی بداند که خواسته‌هایش را برآورده می‌سازد، بلکه این خواسته‌ها توسط مردان دیگر، بدون اینکه خود در بند آن بداند، برآورده می‌گردد.

(د) وطی زن با رضایت وی شبهه نیست

به اتفاق فقهای مذاهب رضایت زن بر وطی او شبهه نمی‌شود. از اینرو، اگر کسی با زن نامحرمی که خودش را در اختیار مرد می‌گذارد، هرچند با اذن ولی و یا شوهر او باشد، زانی محسوب می‌شود؛ زیرا زنا با بذل و اجازه مباح نمی‌گردد و هیچ‌کس حق ندارد حرام خدا را حلال نماید. در نتیجه، اگر زنی خود را به مرد عرضه نمود، عملش باطل و کارش زناى محصنه شمرده می‌شود (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).

بنابراین، پیامدهای بزرگ این مفاسد اجتماعی روشن و بی‌نیاز از برهان است؛ زیرا مباح دانستن زنا از مفاسد بزرگ اجتماعی است و مصلحت جامعه اقتضا دارد که عمل زنا از هر نوع که باشند، مجاز و مشروع تلقی نگردد و مرتکبان آن به شدت مجازات گردد. شریعت اسلامی جهت دوری از وصول به این پیامدهای مخوف، زنا را حرام نموده و اعتقاد به اشد مجازات برای زناکاران دارد و حتی در آموزه‌های اسلامی آمده است که زانی محسن، شایسته‌ای زنده ماندن را ندارد؛ زیرا وی مانند یک «گناه» است و گناه، در شریعت اسلامی حق ماندگاری را ندارد. بدین ترتیب،

که دلیل آن، شیوع فحشاء، فساد اخلاقی، آزاد بودن افراد در ارضای شهوت جنسی، شمردن زنا از امور جزئی و شخصی که با مصالح جامعه تعارض دارد، می‌باشد.

(ب) کاهش زاد و ولد

ترویج نظریه مباح دانستن زنا در برخی قوانین کشورهای اسلامی، سبب کاهش تولید نسل گردیده، که نتیجه‌ی آن، نابودی دولت‌ها یا توقف رشد و پیشرفت آنها می‌باشد و نیز، ترویج نظریه آزادی جنسی و شخصی دانستن آن، عدم میل مردم به ازدواج، گسترش و رواج عقیم‌سازی زوجین است.

(ج) کاهش اعتماد زوجین و تزلزل بنیان خانواده

طبق رویکرد مباح دانستن زنا، مردان میل به ازدواج ندارند و دوست ندارند که خود را در قید و بند ازدواج مقید نمایند؛ زیرا در نظام معرفتی این رویکرد، مرد آزاد است و به هر زنی که بخواهد می‌تواند دسترسی داشته باشد و نیز، دیگر اطمینان ندارد که پس از ازدواج، زنش تنها برای او و در اختیار او باشد؛ زیرا به وضوح مشاهده نموده است که زن به عنوان یک کالای مشاع، میان او و دیگران می‌باشد.

علامه زحیلی در این زمینه می‌نویسد: بسیاری از جوامع به تبع رویکرد اباحه‌ی زنا، و عدم اجرای احکام آیات حدود، مانند آیه حد زنا «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» اوامر و نواهی خداوند و انبیاء الهی را ترک نمودند و خداوند به خاطر این نافرمانی آنان را در دنیا و آخرت گرفتار عذاب‌های گوناگون، مانند هلاکت و خسران‌های مبین نموده است. جهت نجات از این عذاب، باید مطیع اوامر خداوند بود و نواهی آن را ترک کرد و اعتقاد به اباحه‌ی زنا، چیزی است که نه تنها شرع آن را ممنوع نموده، بلکه بناء عقلی و عقلانیت نیز آن را مردود می‌داند (زحیلی، بی‌تا: ج ۳، ۱۰۸).



اختیار والی قرار دارد.

هم-چنین، نتایج نشان می‌دهد که شبهات مطرح‌شده نه‌تنها با مبانی معرفتی اسلامی ناسازگارند، بلکه ریشه در سطح‌نگری، عدم اطلاع دقیق از آموزه‌های دینی و تأثیرپذیری از مبانی فلسفی غربی دارند. تاریخ‌مندی احکام بر انکار منشأ ماورایی دین و تأثر وحی از فرهنگ بشری مبتنی است که با آیات صریح قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) در پذیرش اقوام و ملت‌های مختلف ناسازگار است. عدم سازگاری با روح زمان نیز ناشی از غفلت از توانمندی و ظرفیت بالای اسلام در مدیریت جامعه انسانی است. ناترازی مجازات و جرم بر درک ناقص از فلسفه تشریع حدود و مقاصد شریعت استوار است و رضایت مجنی‌علیه با قاعده کلی «رضایت جرم را ایجاد نمی‌کند» و مفساد اجتماعی بزرگ ناشی از مباح دانستن زنا، مردود است. بدین ترتیب، درمان این آسیب‌ها تنها در بازگشت به شریعت اسلامی، سازگاری میان رفتار آدمیان با شریعت و احکام اسلامی، و دوری از اصول و آموزه‌های مبتنی بر قوانین موضوعه بشری قابل تحقق است.

درمان همه این بیماری‌ها، تنها در بازگشت به شریعت اسلامی و آموزه‌های و سازگاری میان رفتار آدمیان با شریعت و احکام اسلامی و دوری نمودن از اصول و آموزه‌های مبتنی بر قوانین موضوعه بشری می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی مبانی شبهات مرتبط با آیات حدود، از دیدگاه علامه طباطبائی و وهبه الزحیلی، به بررسی چهار محور اصلی این شبهات؛ یعنی تاریخ-مندی احکام، عدم سازگاری احکام با روح زمان، ناترازی مجازات و جرم، و رضایت مجنی‌علیه پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه «احکام ثابت و متغیر» به‌عنوان چارچوب معرفتی مشترک میان این دو اندیشمند، پاسخی منسجم و سازوار به شبهات مذکور ارائه می‌دهد. بر اساس این نظریه، احکام ثابت ناظر به نیازمندی‌های فطری و تغییرناپذیر انسان است و در متون دینی به‌صراحت تشریع شده و هیچ‌کس حق تغییر آن را ندارد. در مقابل، احکام متغیر با نگاهی موقتی و غیردائمی تشریع گردیده و بر حسب مصالح اجتماعی، زمانی و مکانی، در شعاع احکام ثابت تشخیص داده می‌شود و تغییر آن در



منابع

- و قوانین عرفی، تهران: نشر میزان.
۱۶. فخرازی، محمد، (بی تا)، المحصول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. فنایی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، اخلاق دین شناسی، پژوهشی در باب مبانی اخلاقی و معرفت شناسانه فقه، قم: نشر نگاه معاصر.
۱۸. قدردان قراملکی، محمدحسن، (۱۳۹۰)، آیین خاتم (پژوهشی در نبوت و خاتمیت)، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. گدامر، هانس-گئورگ، (۱۳۸۷)، حقیقت و روش، ترجمه حسن مهرنیا. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۹۸۳)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدا.
۲۲. هادوی تهرانی، مهدی، (۱۳۸۵)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
۲۳. نوهابر، رودلف، (۱۳۹۸)، «مکانیابی مقررات کیفری در فقه و پیامدهای روش شناختی آن»، ترجمه و تحقیق، مجله فقه و حقوق، ۱۵.
۲۴. Lapidus, Ira A. (۱۹۹۷). "Islamic Revival and Modernity The Contemporary Movements and the Historical Paradigms". *Journal of the Economic and Social History of the Orient ۴۰ (۴), ۴۴۴.
۲۵. United Nations. (۱۹۹۷). Resolution adopted by the General Assembly, A/RES/۵۲/۱۴۲.
۲۶. United Nations. (۲۰۰۶). A/RES/۶۰/۱۷۱; Resolution adopted by the General Assembly on ۱۶ December ۲۰۰۵.
۲۷. United Nations. (۲۰۱۰). A/RES/۶۴/۱۷۶; Resolution adopted by the General Assembly.
۲۸. United Nations. (۲۰۱۴). A/RES/۶۴/۱۷۶; Resolution adopted by the General Assembly on ۱۸ December ۲۰۱۳.
- قرآن کریم.
۱. ابن عاشور، محمدطاهر، (بی تا)، التحرير و التنوير، تونس: الدار التونسية.
۲. امیدي، جلیل، (۱۳۸۸)، «سنت نبوی و عدالت کیفری»، مطالعات حقوق خصوصی، فصلنامه حقوق، ۳۹.
۳. خادمی کوشا، محمدعلی، (۱۳۹۶)، مبانی فقهی و حقوقی مجازات های بدنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. خویی، ابوالقاسم، (بی تا)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۵. رضایی، حسن، (۱۳۹۸)، «تأثیر و متغیر در نظام جزایی اسلامی با تأکید بر نظام جزایی جمهوری اسلامی»، رساله دکتری، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۶. زحیلی، وهبه، (بی تا)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دار الفکر.
۷. زحیلی، وهبه، (بی تا)، التفسیر الوجیز علی هامش القرآن العظیم، دمشق: دار الفکر.
۸. زحیلی، وهبه، (بی تا)، نظریه الضرورة الشرعية مقارنة مع القانون الوضعی، دمشق: دار الفکر.
۹. شافعی، محمد بن ادریس، (بی تا)، الام، بیروت: دار المعرفة.
۱۰. شحرور، محمد، (بی تا)، اسلام و ایمان، دمشق: دار الساقی.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۸۷)، بررسی و پاسخهای احکام قضایی بر مبنای قرآن، قم: انتشارات شکرانه.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. طریحی، فخرالدین، (بی تا)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۴. علی اکبریان، حسنعلی، (۱۳۹۲)، معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. عوده، عبدالقادر، (بی تا)، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



in the case against Mr Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag
.Mohamed

۲۹. Statement of the Prosecutor of the International
Criminal Court, Fatou Bensouda, at the opening of the trial